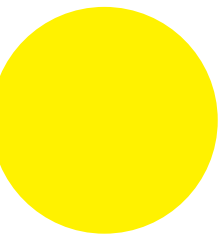


ایران



امام حسین (ع):

«خداوند هیچ موجودی را نیافرید جز آن که برای او تسبیحی قرارداد تا با آن خدا را ستایش کند.»



سخن روز

بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۹، ح ۸

آشوب ترامپ

نگاره



طراح: احمد رضا سهرابی

فضای مجازی

مرامتان رفتن نبود

خبر درگذشت سعید راد، بازیگر پیشکسوت سینمای ایران بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی داشته است و اهالی فرهنگ و هنر بویژه دوستان و یاران قدیمی اش در سینما و تئاتر با انتشار تصاویری از او یاد و نامش را گرمی داشته‌اند.

کوروش تهامی با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش درباره او نوشته است: «همیشه دوست داشتید همه سعید جان صدایتان کنند و من هم در تمام این سالیان همین کار را کردم. روحیه شما با عدد سنتان یکی نبود. پراز شوخی و شور و بویید و چه روزهایی را در زمان فیلمبرداری سریال دل گذراندیم. مرامتان رفتن نبود. باورم نمی‌شده که الان با ما نیستید. ای داد...» پرویز جاهد هم درباره او آورده است: «وقتی دیروز هوشنگ گلکمانی در پستی خاطره دیدارهای از سعید راد در خانه سالمندان را روایت کرد و از حال ناخوش سعید راد گفت، حدس زدم که همین روزها باید خبر درگذشت این بازیگر بزرگ سینمای ایران را در رسانه‌ها بخوانیم. سعید راد اگرچه دیرتر از بهروز وثوقی و در اواخر دهه چهل با بازی در فیلم «فاتحین صحرا» ساخته محمد زرین دست وارد سینمای ایران شد، اما با بازی در فیلم‌های موج نوپی مثل «خدا حافظ رفیق» و «تنگنا» امیر نادری، «صادق کرده» ناصر تقوایی و «صبح روز چهارم» کامران شیردل، در نقش شخصیت‌های ضد قهرمان، تکرو و عصیانگر، به سرعت به ستاره‌های محبوب میان تماشاگران سینمای ایران تبدیل شد. چهره مصمم، نگاه نافذ، شیوه حرف زدن و راه رفتن تند او از ویژگی‌های فردی سعید راد بود که از او یک ستاره برجسته و منحصر به فرد در سینمای ایران ساخت که با کلیشه مرد آوازخوان و عاشق پیشه فیلم فارسی تضاد آشکاری داشت. سعید راد بعد از انقلاب به دلیل ممنوعیت بازیگری بازیگران پیش از انقلاب در سینما به اجبار از ایران رفت اما پس از چند سال زندگی در غربت و ناگامی به ایران بازگشت و در سن بیلا که دیگر از آن صلابت و شور جوانی در او خبری نبود به بازی در نقش‌هایی نه چندان مهم پرداخت؛ نقش‌هایی که چیزی به کارنامه درخشان بازیگری او نیفزود. وی در مصاحبه‌ای درباره دوران مهاجرت گفت: «واقعاً ما نمی‌دانیم کجا هستیم؛ از من ۲۰ سال خارج از کشور زندگی کرده بپرسید، هیچ خبری نیست! می‌خواهند یک شماره به شما بدهند، همه عرق ملی و غیرتتان را می‌گیرند؛ شک نکنید! من آنجا کاری که نبایست را انجام دادم؛ در تاکسی‌های زانندی کردم و هیچ ایایی هم نیست برابم که بگویم، چون باید زندگی می‌کردم؛ نه با پول رفته بودم و نه سواد آنچنانی داشتم؛ تازه دکترهای ایرانی هم در آنجا بخواهند ماندگار شوند، چندین بار در معرض امتحان قرار می‌گیرند و تازه می‌گویند «فوزهای». چرا؟ چون ما برای جایی هستیم که شناسنت و نامش ایران است.» روان‌شناس و یادش گرمای یاد.



سلام ملت ما به حوثیان یمن

افشین علا، شاعر نام‌آشنای کشورمان در بزرگداشت مجاهدان یمن شعری سروده است به نام «به حوثیان یمن»:



فرشته‌ها! برسانید از این دیار کهن
سلام ملت ما را به حوثیان یمن
به آن قبیله بگویید سرزمین شما
شده‌ست قبله که سروها به دشت و دمن
سلام ما به شهیدان سرفراز شما
که خفته‌اند به هر سو بدون غسل و کفن
سلام ما به زنان و به کودکان شهیدان
که چید دست خزان، برگ و بارشان ز چمن
به‌رغم این همه ماتم رسیده‌اید از دور
به داد غزه مظلوم مثل پاره تن
امید خلق فلسطین به دست‌های شماست...
اگر چه دور ز مایید، خاک پاک شما
به چشم ماست گرمی شبیه خاک وطن
شما صحابی پیغمبرید در این قرن
جهان به حسرت دیدارتان اویس قزن
گزیده‌اند شما را برای عصر ظهور
نبی و فاطمه و حیدر و حسین و حسن

صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:
احسان صالحی

سر دبیر:

حسام‌الدین برومند

نقل قول

نباید هر شعری را به خورد جوانان داد

عاشورا اقیانوسی است و ساختارشکنی در واقعه عاشورا آن هم به بهانه جذب جوانان نادرست است و جای این سؤال را دارد که تکلیف صاحب کار، (امام حسین (ع))، چه می‌شود؟ و فردای قیامت در مقابل حضرت زهرا (س) چه جوابی باید داد؟ من معتقد به مطالعه تاریخ هستم یعنی اگر پشتوانه تاریخی نداشته باشیم هر چیزی را به خورد جوانان می‌دهیم و آن‌ها هم فکر می‌کنند این اصل آیین، مذهب و شعر عاشورایی ماست در حالی که چنین نیست و این کار بسیار غلط است.

بخشی ازگفت‌وگوی منتشرشده احد ده بزرگی شاعر پیشکسوت آیینی با مهر

یادداشت

چرا موسیقی؟ (۳)

موسیقی، صوتی است که احساس در ما ایجاد می‌کند، بدون موضوع و محمول؛ یعنی بدون اینکه واقعه‌ای رخ دهد و موضوع و محمولی داشته باشد، احساس ایجاد می‌کند. باید واقعه‌ای در مقابل دیدگان رخ دهد تا امیدواری، ناامیدی، خوشحالی، غم، عشق، نفرت، ترس، اعتماد، اضطراب، امنیت و... احساس شوند، آن‌هم نه با قاطعیت تمام؛ اما بدون هیچ واقعه‌ای، موسیقی همه آنها را ایجاد می‌کند و احساس آنها را در مواجهه با موسیقی در خود می‌یابی! چرا؟! چون موسیقی با ذهن سر و کار دارد و این موجب مفاهمه و افتاح است و با روح سر و کار دارد و این موجب احساس است. موسیقی، انتقال جهان عینی به جهان ذهنی است. موسیقی، آشتی با خود و در خود فرو رفتن است. جهان عینی تا مرز آشنایی و تصدیق جلومی‌رود و جهان ذهنی، جهان امن و قابل اعتماد هر کس است.

من تو را بدم فراز قله هنر

بعد از این تو از درون خود بخوان

ما در جهان ذهنی، روگرفت همه آنچه را در عینیت هست، داریم و بلکه نسخه‌های ناموجود در عینیت را، ذهن آدمی می‌تواند بی‌نهایت موضوع و نمونه‌هایی را که حتی درعینیت نیست، ابداع کند و مطابق هر کدام، احساس آنها را ایجاد کند. ابداع ذهن، به منزله جسم موضوع و احساس آن، به منزله جان آن است؛ پس ما احساس همه چیز را در خود داریم و کافی است یادآوری شویم. موسیقی، همان یادآور و یادآوری‌کننده بدون موضوع است! موسیقی، شراب ذهن است. رابطه ما با جهان عینی، در ذهن تداوم می‌یابد. ذهن، آرامگاه حیات ماست. علت آرامش ذهن، عقیده و اعتقاد است. ایمان، حد مطلوب عقیده و عهد محبوب ذهن است. ذهن، با عقیده و ایمان به ثبات می‌رسد و ثبات، حد شکنجه ذهن است. ذهن با ثبات موجب ثبات حیات است. حیات که جنبش ما در عینیت و هستی است، با ذهن به ثبات رسیده، قوام و استحکام می‌گیرد و این موجب انگیزه‌ای قوی برای رسیدن به هدف می‌شود. اصلاً هدف، در زندگی افراد مؤمن و صاحب عقیده و ثبات معنا دارد. افراد تهی از ثبات و استحکام، هدف ندارند. نمی‌توانند داشته باشند. هدف، محصول عقیده و ثبات است. هدف، مقصدی مشخص و ثابت است که تنها شخصی باثبات و مستحکم به سوی آن روان است و شخصی بی‌ثبات، خلاف هدف دوان. ذهن با ثبات، آبخشورش ایمان است. ایمان، منبع مغذی ذهن است. ذهن، همواره در تکاپوی فراغت است ولی فراغت برای آن امکان ندارد، مگر در سایه ایمان. ایمان، فراغتگاه ذهن است. ذهن، پس از ایمان، در تکاپوی دیگری است و آن، القای ثبات و آرامش به دیگران است. ذهن، همواره تازآم است؛ نخست آن‌گاه که به ثبات نرسیده و دیگر گاهی که پس از وصول ثبات، بی‌تابی القای آن به دیگران را دارد! ذهن به ثبات رسیده، سودای فراغت دیگران دارد. این هوس، گاه با بحث و جدل صورت می‌گیرد و گاه با نقل و حدیث؛ گاهی با حال و مقام و گاهی با اوصاف یار. هنر، وصف یار است. موسیقی، ذکر است. ذکر یار و از یار. هنرهای دگر، نقش یار می‌زنند و موسیقی ذکر خوش‌نماست. پس موسیقی، آهنگ ذهن ماست. آهنگی یار باشد، تقدس یار می‌گیرد. هنر، آن‌گاه که وصف او می‌کند، مقدس می‌شود. هنر مقدس، هنر ذکرگوی و ذاکر است. هنر ذاکر، مانند مذکور خود، پاک و طاهر



محسن نفر آهنگساز، مدرس موسیقی و نوازنده



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید



مولانا

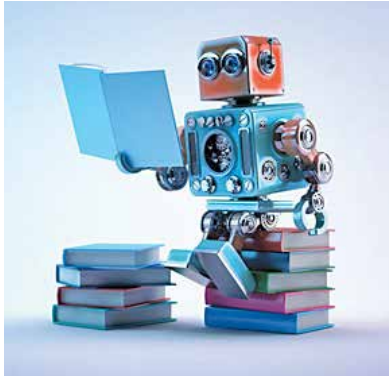
بشنو این بی چون شکایت می‌کند از جدایی‌ها حکایت می‌کند کز نیستان تا مرا بریده‌اند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

کارآفرینی

غلبه بر غول فرانکنشتاین فناوری

با اینکه تغییرات زیست محیطی، همه ما را نگران کرده و دل‌آشوبه‌هایی در جوامع بشری به وجود آورده است، اما طبیعت براساس قانون بقای انرژی به ما می‌گوید که زیاد نباید نگران باشیم. یعنی از آنجا که انرژی هیچگاه از بین نمی‌رود، بلکه از شکلی به شکلی دیگر درمی‌آید، بنابراین تحولات و تغییراتی را که در اطرافمان می‌بینیم باید طبیعی بدانیم و فقط باید تلاش کنیم، همگام با طبیعت به جلو برویم و با او، سرز ناسازگاری نداشته باشیم. اما مدت‌هاست که برخی از دانشمندان به دنبال این هستند که مثلاً برای رفع خشکسالی و کمبود آب، از سیاره‌های دیگری که امکان وجود آب در آنها هست، این کاستی را جبران کنند. یا مثلاً برای جبران کمیمی سنگ‌های رسانا و مواد معدنی ارزشمندی که در صنایع به کار می‌رود، از ماه و مریخ و جاهای دیگر، مواد بارکنند و بیاورند روی زمین. گر چه این کار از روی نخبگی و دانش و پژوهش انجام می‌شود اما بر اساس همان قانون بقای انرژی، ناعاقلانه‌ترین کار ممکن صورت می‌گیرد، چراکه توازن انرژی و مواد بر روی زمین از بین می‌رود سرعت نابودی زمین بالا می‌رود.

این ایجاد ناترازی در انرژی و مواد، در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات هم متأسفانه وجود دارد. با ولع شگفت‌انگیز و هولناکی که در این زمینه به وجود آمده است، می‌بینیم که هر ثانیه و هر دقیقه، دستاوردهای جدیدی به حوزه فناوری اضافه می‌شود و غول فرانکنشتاین فناوری، هر لحظه بزرگ تر و مخوف‌تر می‌شود. یکی از آسیب‌هایی که می‌تواند به عنوان تلنگری جدی به حساب آید، همین اختلال اخیر در سیستم‌های ویندوز است که دنیا را زمینگیر کرد و همه چیز را تا ساعت‌ها به هم ریخت. جالب است که علت این اختلال جهانگیر را آنقدر ساده عنوان کرده‌اند که آدم، بیشتر نگران وحشت‌زده می‌شود، چراکه وسعت آسیب پذیری انسان مدرن و پیشرفته را بسیار زیاد نشان می‌دهد.



حالا براساس شرایطی که وجود دارد، کارآفرینان و کسانی که به دنبال راه‌اندازی کسب و کاری برای رفع یک نیاز و حل یک مشکل هستند، باید حواسشان را بیش از گذشته جمع کنند و در دام سادگی استفاده از فناوری‌های امروز نیفتند. به راحتی می‌توانیم آسیب‌هایی را که هوش مصنوعی می‌تواند به زندگی انسان‌ها وارد کند، ببینیم. تازه، برخی از نام‌آوران گفته‌اند که هوش مصنوعی تهدید بزرگ آینده بشریت است. اما همین امروز و حالا هم قابل درک است که استفاده حرص آلود آدمیان از دستاوردهای تازه، چه بلایی دارد بر سر همگان می‌آورد. بنابراین هنر اصلی کارآفرینان امروز، همین باید باشد که در نوآوری‌هایشان، تا آنجا که می‌توانند در استفاده از فناوری‌ها، محتاط‌تر عمل کنند و حساسیت به خرج دهند.

خوشبختانه حوزه فرهنگ و هنر، نسبت به حوزه‌های دیگر، نه تنها از گزند فناوری‌زدگی دورتر است، بلکه حتی می‌تواند این گرفتاری‌ها را در حوزه‌های دیگر تحت کنترل درآورد. واقعیت این است که بعد از ترک‌تازی‌های استارت‌آپ‌ها و کسب و کارهای نو در حوزه‌ها و رده‌های مختلف، اینک زمان بروز کسب و کارهای فرهنگی و هنری است که جهان را به تعادل برسانند و آدمیان را از حرص و طمع فناوری‌شان، آرام آرام به دامن اعتدال فرهنگ محور سوق دهند. اگر به تاریخ نگاه کنیم، فرهنگ و زیرمجموعه‌های آن همیشه نجات بخش بوده است، چراکه هم به طبیعت احترام می‌گذارد و هم به قوانین موجود در آن.



خوشبختانه حوزه فرهنگ و هنر، نسبت به حوزه‌های دیگر، نه تنها از گزند فناوری‌زدگی دورتر است، بلکه حتی می‌تواند این گرفتاری‌ها را در حوزه‌های دیگر تحت کنترل درآورد

عکس نوشت



مجموعه کنجعلی خان در مرکز تاریخی شهر کرمان و در کنار بازار بزرگ کرمان قرار دارد. کنجعلی خان که از حاکمان مشهور زمان شاه عباس است از سال ۱۰۰۵ تا ۱۰۲۴ هجری قمری بر کرمان فرمانروایی کرد و آثار و بناهای زیادی بنا گذاشت و در آبادی این منطقه کوشش کرد.

عکس: محمدحسین قنبری SNN